



عبدالناصر نورزاد

استاد پیشین دانشگاه کابل

ماه اوت، سومین سال افغانستان تحت کنترل طالبان بود. سقوط غیر منتظره جمهوری و خروج جامعه بین‌المللی از افغانستان، زمینه را برای طالبان فراهم کرد تا بر تمام افغانستان تسلط یابند. مشق و تمرین دموکراسی در افغانستان، به رغم حضور بیست سال جامعه بین‌المللی، یک تمرین ناکام بود و با بن بست مواجه شد. حضور بیست سال جامعه بین‌المللی در افغانستان، علی‌رغم دستاوردهای محسوس در زمینه حضور زنان در افغانستان، تحصیلات عالی، تامین ارتباط افغانستان با جهان بیرون، حضور پرنیک رسانه‌ها، نتوانست به موفقیت برسد. بالاخره، طالبان به قدرت رسیدند و همه دستاوردها نابود شد. طالبان امروز، هیچ تفاوتی با طالبان سال ۱۹۹۶ ندارد. رژیم سرکوبگر، زن‌ستیز و مخالف ارزش‌های دموکراتیک، جامعه بسته و دور از حکومتداری مدرن، ممنوعیت احزاب سیاسی، منع تحصیل زنان و سرکوب ساختاری از جمله عملکردهای طالبان است که در این سه سال برخلاف انتظار مردم و جهان، به آن دست یازیده‌اند. حالا، وضعیت افغانستان با بن بست مواجه است. تفاهم با طالبان بر اساس خصوصیت ایدئولوژیک و افراطی آن، غیر قابل دسترس است و به همین علت است که هنوز هیچ کشوری حاضر نشده است رژیم طالبان را به رسمیت بشناسد و با آن رابطه رسمی و دیپلماتیک برقرار کند. تعامل موثقی و از روی نیاز، زمینه را برای استحکام پایه‌های رژیم طالبان، مساعد ساخته است. اداره بازرسی ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان، هفته گذشته اعلان کرد که در این سه سال، نزدیک به ۲۱ میلیارد دلار به افغانستان تحت کنترل طالبان، کمک شده است. با توجه به میزان پول کمک شده به افغانستان و این که مجموع این پول به خزانه رژیم طالبان سرازیر شده، باعث شده تا رژیم طالبان بیشتر سرکوبگر شود و با جسارت به حکومت استبدادی اش ادامه دهد. با توجه به وضعیت جهان، بحران اوکراین، درگیری در خاورمیانه، تحولات در اتحادیه اروپا و جنوب آسیا و آفریقا، معضل‌های سیاسی در آمریکایی جنوبی، جهان امروزی مایک آنارشیسم را شاهد است و افغانستان نمی‌تواند بحرانی جدا از آن فرض شود. در اینجا نیاز است تا معضل افغانستان به گونه بنیادی به واسطه یک مکانیسم چندجانبه، مشارکت فعال منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، توافق بر سر تامین صلح در این کشور و ایجاد فضای دموکراتیک که افغان‌ها بتوانند بر سرنوشته‌شان حاکم شوند، حل شود. این مکانیسم با خصوصیت چندجانبه‌گرایی در ابتدای امر، زمینه هر نوع اختلاف و امرود می‌سازد و در قدم دوم زمینه را برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در این کشور درگیر بحران چند دهه‌ای، فراهم خواهد آورد. برای این مهم، نیاز است تا منطقه و فرامنطقه به شمول اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، مکانیسم‌ها و ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی به شمول اتحادیه اروپا، برای اعزام نیروهای حافظ صلح چندملیتی، اقدام فوری کنند. جغرافیای افغانستان باید غیرنظامی اعلام شود و یک حکومت موفق برای شش ماه روی کار آید. تا شش ماه، بستر لازم برای انتخابات مساعد شود و قانون اساسی افغانستان که تا سقوط نظام جمهوریت حاکم بود، با اندک تعدیلات، دوباره تصویب شود. در این مدت نیاز است تا ساختارهای دولت افغانستان، بار دیگر احاده شده و خدمات به شهروندان، ارائه شود. همانند مدل نظام کشور سوئیس، بی‌طرفی در منازعات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، یک ساختار سیاسی متناسب با نیازهای این کشور، روی کار آید. به این ترتیب دستاوردهای بیست سال گذشته افغانستان که در نتیجه حضور جامعه بین‌المللی به دست آمده بود، حفظ می‌شود و نقطه پایانی برای معضل با بن بست مواجه شده افغانستان، فراهم خواهد شد.

خبر

مهدی مطهرنیا؛

مذاکره با ترامپ منتفی نیست اما سخت است

یک تحلیلگر مسائل سیاست خارجی، در خصوص نام‌هایی که برای تشکیل دولت ترامپ مطرح می‌شود، اظهار داشت: ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری‌اش یک پیست محافظه‌کار بود. او مکتب خاصی را وارد ادبیات سیاسی آمریکا کرد و اکنون در دور دوم ریاست جمهوری‌اش با ذکر این نکته که در سال ۲۰۲۸ و به پایان رسیدن این دوره‌اش دیگر نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود، می‌خواهد میراثی ماندگار از خود به جای بگذارد؛ چه در داخل و چه در خارج از آمریکا. او دنبال تشکیل مجموعه‌ای هم هست که آن مجموعه بتواند اهدافش را محقق کند. مهدی مطهرنیا گفت: گفته می‌شود که ترامپ بیشتر تمایل دارد به مسائل داخلی آمریکا رسیدگی کند اما مسائل سیاست خارجی لازمه سیاست داخلی است. تیم او از وزیر خارجه، مشاور امنیت ملی و وزیر دفاع گرفته تا رئیس CIA، رئیس دفتر ریاست جمهوری و رئیس کل اطلاعات آمریکا همه و همه نئونک‌ان‌هایی هستند که می‌خواهند در نهایت حزب جمهوری خواه را به جلو ببرند و با ترامپ هم کاملاً همسو به نظر می‌رسند. ترامپ در حوزه حاکمیتی هم در موقعیت خوبی قرار دارد زیرا نه فقط قوه مجریه را در اختیار دارد بلکه کنگره در دو مجلس نمایندگان و سن در اختیار حزب جمهوری خواه است و این موقعیتی استثنایی را برای ترامپ ایجاد کرده است. این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی همچنین بیان کرد: ترامپ در حوزه سیاست خارجی یکی از اهدافش را ایران می‌داند. ترامپ می‌خواهد در چارچوب مذاکره تهدید هم داشته باشد. دولت او با توان بالا وارد مذاکره می‌شود اما مذاکراتی سخت با این دولت در پیش خواهد بود بسیار سخت‌تر از مذاکره با دولت اوباما یا بایدن در دوره ترامپ مذاکره حتما بر سر احیای برجام نخواهد بود و او می‌خواهد مسائل دیگری مطرح شود تا بتواند اعتبارات زیادی بگیرد. در این شرایط حتما فشار حداکثری بر تهران وارد خواهد شد. حتما مذاکره در دوره ترامپ منتفی نخواهد بود اما مذاکره در دوره او قواعد خودش را دارد. مطهرنیا تصریح کرد: اگر تصمیم ایران مذاکره نباشد، شرایط سخت‌تر می‌شود و زمینه نزدیک شدن هرچه بیشتر دولت ترامپ با اتل‌ویوپو برای سرخوردن شرایط بر ایران فراهم خواهد شد که ممکن است در آن شرایط هر اتفاق سختی رخ دهد.

زهرا نژاد بهرام در گفت و گو با «آرمان ملی»:

پزشکیان توانسته رابطه اصلاح طلبان

و حاکمیت را ترمیم کند



مهم‌ترین دستاورد داخلی دولت پزشکیان وفاق

با حاکمیت بود

برگ برنده دولت پزشکیان سیاست خارجی

بوده است

پزشکیان خط سومی را در سیاست ایران

در پیش گرفته است

مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف دولت چهاردهم در ۱۰۰ روز ابتدایی چه مسائلی بود؟ آیا می‌توان دولت را در این مدت موفق دانست؟

برای تحلیل و بررسی عملکرد دولت در ۱۰۰ روز گذشته من معتقدم باید عملکرد دولت را در سه حوزه سیاست خارجی، سیاست داخلی و اقتصاد مورد ارزیابی قرار داد. در حوزه سیاست خارجی با توجه به اتفاقاتی که در این ۱۰۰ روز رخ داد دولت روزهای پرکاری را پشت سر گذاشته است. کار سیاست خارجی از همان ابتدای مراسم تحلیف و پس از ترور اسماعیل هنیه در تهران آغاز شد که شاهد دیپلماسی فعالی در این مدت از سوی دولت چهاردهم بودیم. نقطه قوت سیاست خارجی نیز تعامل سازنده و اطمینان بخشی به کشورهای منطقه و به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس و عربی بود. این در حالی بود که اتفاقات زیادی در این مدت رخ داد که دولت آقای پزشکیان به خوبی توانست در زمینه سیاست خارجی این وضعیت را مدیریت کند. به همین دلیل نیز در این شرایط سخت سیاست خارجی دولت پزشکیان برگ برنده دولت تاکنون بوده است. در این مدت اسرائیل به دنبال این بود که پای ایران را به جنگ باز کند و شرایطی را به وجود بیاورد که تنش‌ها در منطقه افزایش پیدا کند. این در حالی است که سیاست خارجی فعال دولت پزشکیان تا حدود زیادی توانست کشور را از جنگ دور نگه دارد. امیدواریم در آینده نیز دولت آقای پزشکیان با همین رویکرد به مسیر خود ادامه دهد و بتواند از ظرفیت‌هایی زیادی که در این زمینه وجود دارد استفاده کند. در روزهای اخیر رئیس‌جمهور با همه وزرای خارجه دولت‌های گذشته دیدار و گفت‌وگو کردند که نشان می‌دهد دولت قصد دارد از همه تجارت‌گذشته در زمینه سیاست خارجی در راستای تحقق منافع ملی استفاده کند. به هر حال این احتمال وجود دارد که با توجه به تحولاتی که در سطح جهانی و منطقه اتفاق افتاده دولت بخواهد تصمیماتی جدیدی اتخاذ کند. به همین دلیل نیز باید این تصمیمات از پشتوانه کارشناسی کافی برخوردار باشد.

در چه شرایطی دولت تصمیماتی متفاوت نسبت به گذشته در عرصه سیاست خارجی خواهد گرفت؟ آیا دولت می‌تواند به چنین اجازه‌ای دسترسی پیدا کند، تا در زمینه‌های حساس سیاست خارجی تصمیم‌گیری کند؟

معادلات در عرصه بین‌المللی به صورتی است که ما آغازکننده تنش‌ها و حساسیت‌ها نبوده‌ایم. در برخی موارد ما به تنهایی تصمیم‌گیرنده نیستیم و در برخی موارد دیگر امکان پیش‌بینی وجود ندارد. باین وجود، به دلیل موقعیت ایران در منطقه، در برخی مسائل شرایط به‌گونه‌ای پیش می‌رود که ناچار به واکنش می‌شویم و اغلب این واکنش‌ها خواسته خودمان نبوده است. من فکر می‌کنم این قدرت و توانایی در تیم سیاست خارجی دولت پزشکیان وجود دارد که بتواند در بزنگاه‌های حساس تصمیمات مهم بگیرد و اقدامات کلیدی انجام دهد.

من فکر می‌کنم این قدرت و توانایی در تیم سیاست خارجی دولت پزشکیان وجود دارد که بتواند در بزنگاه‌های حساس تصمیمات مهم بگیرد و اقدامات کلیدی انجام دهد



باشیم در ابتدا گفت‌وگمان ایجاد کنند و سپس براساس آن گفت‌وگمان حرکت کنند. گفت‌وگمان‌سازی کار تئوریسین‌ها و اندیشمندان سیاسی است که در این زمینه صاحب نظر هستند. در شرایط کنونی آقای پزشکیان تنها اهداف خود را تعریف کرده‌اند و به همین دلیل براساس اهداف تعریف شده می‌توان برنامه و استراتژی تدوین کرد. هنوز این اتفاق رخ نداده اما من امیدوارم کسانی که از این توانایی برخوردار هستند بتوانند در این زمینه ظرفیت‌بندی کنند و بتوانند مسیر آقای پزشکیان را به عنوان یک اندیشه سوم طراحی کرده و گفت‌وگمان‌سازی کنند.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

با توجه به تغییر معادلات منطقه و شرایط سخت تحریم‌ها رویکردی که دولت پزشکیان در زمینه اقتصادی در پیش گرفته تا حدودی قابل تحمل است

عملکرد دولت در سیاست داخلی به چه صورت بوده و اگر عملکرد دولت را موفق ارزیابی می‌کنید، آیا در سیاست داخلی نیز موفق عمل کرده‌است؟

در سیاست داخلی دولت با ضعف‌ها و قوت‌هایی مواجه بوده است. کابینه‌ای که آقای پزشکیان تشکیل داد کابینه‌ای بود که از سلیق مختلف شکل گرفت و اغلب جریان‌های سیاسی کشور در آن نماینده داشتند. آقای پزشکیان با شعار وفاق ملی وارد کار شد و مهم‌ترین دستاورد آقای پزشکیان در این مدت، وفاق با حاکمیت بود که با وجود همه مخالفت‌ها، این وفاق در رأی اعتماد مجلس به وزرای پیشنهادی آقای پزشکیان متبلور شد. البته انتخاب اعضای کابینه با انتقاداتی از سوی حامیان دولت همراه شد. آقای پزشکیان یک خط سوم را برای خود تعریف کرده‌اند که نه تعریف اصلاح‌طلبی دارد و نه اصولگرایی و در عین حال ویژگی‌های هر دو را نیز دارد. دولت پزشکیان مبنای خود را استفاده از ظرفیت‌های همه جریان‌های سیاسی قرار داده و بر این باور است که باید از ظرفیت‌های جریان‌های سیاسی استفاده کرد. من امیدوارم این اتفاق رخ بدهد که اگر چنین اتفاقی رخ بدهد ما شاهد این خواهیم بود که خط سوم آقای پزشکیان برنده سپهر سیاسی ایران در چهل سال گذشته خواهد بود. البته این رویکرد با انتقاداتی نیز همراه بوده است. باین وجود ما هنوز اقدامات و عملکرد کسانی را که به کار گرفته شده‌اند، مشاهده نکرده‌ایم و به همین دلیل هنوز قضاوت درباره اینکه این خط سوم موفق بوده یا خیر زود است.

شما از آغاز خط سوم در سپهر سیاسی ایران صحبت می‌کنید در حالی که هنوز برای دولت گفت‌وگمان‌سازی نشده‌است. آیا فقدان گفت‌وگمان نمی‌تواند دولت را در این زمینه آسیب‌پذیر کند؟

بله، من هم موافقم که برای دولت آقای پزشکیان گفت‌وگمان‌سازی نشده است. آقای پزشکیان تئوریسین سیاسی نیستند که از ایشان انتظار داشته باشیم در ابتدا گفت‌وگمان ایجاد کنند و سپس براساس آن گفت‌وگمان حرکت کنند. گفت‌وگمان‌سازی کار تئوریسین‌ها و اندیشمندان سیاسی است که در این زمینه صاحب نظر هستند. در شرایط کنونی آقای پزشکیان تنها اهداف خود را تعریف کرده‌اند و به همین دلیل براساس اهداف تعریف شده می‌توان برنامه و استراتژی تدوین کرد. هنوز این اتفاق رخ نداده اما من امیدوارم کسانی که از این توانایی برخوردار هستند بتوانند در این زمینه ظرفیت‌بندی کنند و بتوانند مسیر آقای پزشکیان را به عنوان یک اندیشه سوم طراحی کرده و گفت‌وگمان‌سازی کنند.

به نظر می‌رسد از سوی تئوریسین‌ها که اغلب اصلاح‌طلب هستند، در جهت گفت‌وگمان‌سازی برای دولتی که می‌خواهد از جریان اصولگرایی هم استفاده کند، علاقه‌ای وجود ندارد. در این صورت آقای پزشکیان چگونه می‌تواند برای دولت خود گفت‌وگمان ایجاد کند؟

اینکه تئوریسین‌ها تمایلی برای گفت‌وگمان‌سازی ندارند یک مسأله است و اینکه پزشکیان چرا به دنبال

گفت‌وگمان‌سازی نیست مسأله دیگری است. حتی این احتمال وجود دارد که خود آقای پزشکیان تمایلی نداشته باشد که گفت‌وگمان خود را تئوریزه کند. خط سوم آقای پزشکیان برای همه مشخص است، اما کسی تلاش نمی‌کند روی این موضوع تأکید کند. واقعیت این است که دولت پزشکیان اصلاح‌طلب نیست و کسی نمی‌تواند آن را انکار کند. این دولت همچنین اصولگرا هم نیست و در عین حالی که از هر دو گفت‌وگمان استفاده می‌کند، اما به هیچ‌کدام تعلق ندارد. ابزار قدرت در اختیار حاکمیت است و پزشکیان توانسته در این مدت با حاکمیت هماهنگ شود. نمونه بارز این وفاق نیز در رابطه حسنه مقام رهبری و رئیس‌جمهور، رأی مجلس به وزرای پیشنهادی کابینه و همگرایی بین قوای سه‌گانه است.

بخش مهمی از وفاق البته وفاق با جامعه است. دولت پزشکیان در این زمینه به چه میزان موفق بوده است؟

وفاق با جامعه به دلیل کثرت و تنوعی که دارد، دیرتر و سخت‌تر انجام می‌شود. البته نشانه‌هایی در این زمینه وجود دارد که مثبت بوده است. همین که دولت اجازه نداده برخی سخت‌گیری‌ها ادامه پیدا کند اتفاق خوبی بوده و مردم هم متوجه تلاش دولت در این زمینه بوده‌اند. دولت بارها اعلام کرده که دنبال رفع برخی محدودیت‌های نالازم فضای مجازی و کاستن از شدت فیلترینگ است. البته موانع بسیار زیاد و حتی پیش‌بینی نشده‌ای در این راه وجود دارد. از سوی دیگری می‌دانیم قانون صریح و روشنی در این زمینه وجود ندارد و این تصمیم برای دوره‌ای کوتاه بوده، نه یک تصمیم قطعی و بلندمدت. اتفاق مثبت دیگر ماجرای استفاده از مازوت در برخی نیروگاه‌هاست که با وجود اینکه موجب برخی خاموشی‌ها شده اما چون دلیل آن با صراحت به مردم گفته شده، مردم خاموشی را به تنفس هوای آلوده ترجیح می‌دهند. پزشکیان نشان داده که به سلامت مردم و به حفظ محیط زیست توجه دارد و تصمیمی که در این زمینه گرفته شده، به نظر من تصمیم درستی بوده است. دولت به مردم گفته اگر قرار است مازوت سوزی صورت بگیرد مردم همیشه برق دارند، اما به دلیل اینکه سلامت مردم در اولویت قرار دارد بهتر است که مردم مدتی بدون برق باشند، اما سلامت آنها با خطر مواجه نشود. برخی از دوستان عنوان می‌کنند که دولت اسبقم زین شده تحویل گرفته اما در واقعیت چنین نبوده و واقعیت از چیز دیگری حکایت دارد. بیش از ۸۷۰ همت دولت با کسری بودجه کار خود را آغاز کرده است. اتفاق دیگری که در حوزه اجتماعی رخ داده کاستن از برخی سخت‌گیری‌ها بوده است. حتی اگر این رویکرد موقت باشد هم با واکنش مثبت مردم مواجه شده است. با توجه به تغییر معادلات منطقه و شرایط سخت تحریم‌ها رویکردی که دولت پزشکیان در زمینه اقتصادی در پیش گرفته تا حدودی قابل تحمل است. مقصود من از قابل بودن وضعیت اقتصادی البته بهبود شرایط و بایشبرد اهداف نیست و بلکه باید عنوان کرد وضعیت اقتصادی در دولت پزشکیان تنها قابل تحمل بوده است.

مهم‌ترین دستاورد آقای پزشکیان در این مدت، وفاق با حاکمیت بود که با وجود همه مخالفت‌ها، این وفاق در رأی اعتماد مجلس به وزرای پیشنهادی آقای پزشکیان متبلور شد

تلنگر

چشم‌انداز روابط ایران و آمریکا دیپلماسی یا تغییر دکترین هسته‌ای؟

از دوران انتقال دولت در ایالات متحده از بایدن به ترامپ، مدعی است که دولت تازه نفس دونالد ترامپ با هدف تحت فشار قرار دادن ساختار اقتصادی ایران و توقف پیشرفت برنامه هسته‌ای این کشور قرار است کمین فشار حداکثری علیه تهران را بازتعریف کند. به ادعای فاینشال تایمز، تیم سیاست خارجی دونالد ترامپ به محض ورود رئیس‌جمهوری جدید به کاخ سفید در ماه ژانویه، تحریم‌های حداکثری را با هدف تحت فشار قرار دادن صادرات نفت ایران در دستور کار قرار خواهد داد. در همین راستا یکی از یک کارشناسان امنیت ملی که از نزدیک با فرآیند انتقال قدرت آشناست، در این باره ادعا کرد: «ترامپ مصمم است تا استراتژی فشار حداکثری را اجرایی کرده و بدین طریق، ایران را به لحاظ مالی و اقتصادی تحت فشار قرار دهد.» این طرح ادعایی نشانگر تغییر در دکترین سیاست خارجی ایالات متحده است، آن هم در شرایطی که خاورمیانه درگیر تنش‌های بی‌سابقه‌ای است و رویارویی عریان تهران و تل آویو منطقه را در آستانه جنگی تمام عیار قرار داده است.

در عصر دوم ترامپ!

پیشتر ترامپ در کمین انتخاباتی اش مدعی بود که خواهان توافق با ایران است. او در دوران نخست ریاستش، بعد از خروج از برنامه جامع اقدام مشترک نیز خواهان توافقی بزرگ با ایران بود. هرچند افزایش تنش‌ها میان تهران و واشنگتن در آن بازه زمانی بالاخص بعد از ترور شهید قاسم سلیمانی، مانع از آغاز ریزش‌ها گشت. پس از آن بایدن که با شعار بازگشت به برجام پیروز کارزار ۲۰۲۰ شد نیز احیای این توافق را از دستور کار خارج کرد. حالا با بازگشت ترامپ به کاخ سفید گمانه‌زنی‌ها در باب رویکرد احتمالی رئیس‌جمهوری جدید در ارتباط با ایران افزایش یافته، گروهی که به عقایدواستراتژی ترامپ آشنا هستند مدعی اند که ساکن جدید کاخ سفید با توسل به اهرم فشار حداکثری تلاش دارد تا ایران را به پشت میز مذاکره بازگرداند، هرچند بعید است تهران تحت فشار تن به بازبینی دهد. این گروه با استناد به نتایج حاصل از سیاست فشار حداکثری تحمیلی علیه ایران در دوران نخست ریاست ترامپ مدعی‌اند، تحریم‌ها تهران را به لحاظ اقتصادی تحت فشار قرار داد اما هم‌زمان موجب شد تا ایران هم میز مذاکره را رها کند و هم در حرکتی آندیشه‌پسیده شده، از تعهدات برجامی خود گام به‌گام کم کرده و بر پیشرفت برنامه هسته‌ای اش متمرکز شود. در شرایط کنونی نیز متغیرهایی چون تلاش‌های اسرائیل برای به دست آوردن تصادفی آمریکا تحت رهبری ترامپ در کنار مانور شاهین‌های آمریکایی در کابینه احتمالی رئیس‌جمهوری موجب شده بسیاری به این نتیجه برسند که استراتژی دولت نخست ترامپ این بار نیز تکرار می‌شود و دامنه‌اش به واسطه تنش‌های حاکم بر منطقه ممکن است وسیع‌تر نیز باشد. رسانه‌های خارجی بیش از همه بر چنین تیم ترامپ تأکید دارند و مدعی‌اند، حضور چهره‌های همچون مارک رابینو، وزیر خارجه احتمالی و جنگ‌طلب و نیز مایک والتز، مشاور امنیت ملی جدید ترامپ، که زمانی در قامت عضو مجلس نمایندگان آمریکا به تصویب قانونی در باب تحریم‌های ثانویه علیه صادرات نفت خام ایران به چین تلاش بسیاری کرد (تلاش‌هایی که به واسطه مخالفت سنای نتیجه ماند) تصویری مهم از رویکرد احتمالی ساکن جدید کاخ سفید ترسیم می‌کند. در عصر بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا احیای برجام را کنار زد. با این حال از میزان فشارهای تحمیلی بر تهران کاست. از همین رو بر اساس گزارش‌های منتشر شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی، صادرات نفت خام ایران در چهار سال گذشته بیش از سه برابر شده و از ۴۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ به بیش از یک‌ونیم میلیون بشکه رسیده است، بشکه‌هایی که بخش عمده‌ای از آن در اختیار چین قرار می‌گیرد.

توب در زمین غرب

از سوی دیگر، سفر فائال گروسی به تهران از دید بسیاری از رسانه‌های خارجی سیگنالی مثبت از سوی ایران قلمداد می‌شود. سفری که در جریانش رئیس‌آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در اقدامی نادر از دو سایت نظنر و فردو بازدید کرد. ناظران با استناد به این متغیر می‌گویند، شواهد نشان می‌دهد گره کور توافق تهران و بازرسان از سایت‌های هسته‌ای ایران در حال باز شدن است. آنها به توثیق اخیر عباس عراقچی بعد از سفر گروسی اشاره دارند که نوشته بود، «تهران مایل است با لحاظ کردن منافع ملی و حقوق مسلم خود ریزش‌ها کند نه تحت فشار و ارعاب.» پیشتر نیز وزیر امور خارجه کشورمان تأکید داشت که تکرار سیاست فشار حداکثری «شکست حداکثری» را به دنبال خواهد داشت از همین روایده بهتر آن است که طرفین به خرد حداکثری متوسل شوند که حاصل آن به نفع همه است. سیدعباس عراقچی اما در اظهار نظر اخیرش ربه پنهان سفر گروسی به تهران و وحاشی مرتبط با آن اعلام کرد که فرصت برای مذاکرات و توسل به اهرم‌های دیپلماتیک محدود است. او در ادامه ضمن اشاره به شرایط پیچیده و حساس برنامه هسته‌ای ایران در سال آینده گفت که تهران برای هر سناریویی امکان از رویارویی و تعامل و همکاری با غرب آماده است.